

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ هویت و صفات
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ منصور زمینه‌ساز ظهور مهدی؛ گفته‌ها و نوشته‌ها
۳. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۰

۱. علامه خراسانی در ص ۲۵۶ کتاب «بازگشت به اسلام» فرموده‌اند: «و من اگر در زمین تمکّن یابم، آنان [حاکمان محارب و مفسد] را به سزای عملشان خواهم رساند؛ چراکه برداشتن آنان از سر راه مهدی، بر هر مسلمانی که متمکّن از آن باشد، واجب است». سؤال این است که آیا ایشان برای انجام این کار از حضرت مهدی اذن دارند و یا به رأی و اجتهاد یقینی خود عمل می‌کنند؟ منظور از تمکّن تشکیل حکومت است؟ در این صورت فرق این حکومت با سایر حکومت‌های اسلامی چیست؟

۲. در یکی از نامه‌ها ایشان خود را با حضرت مسلم تشبیه نموده‌اند. حضرت مسلم از امام زمان خود اذن داشتند. آیا ایشان از حضرت مهدی اذن دارند؟ برخی از علما مثل امام خمینی نیز حرکت انقلابی خود را برگرفته از قیام امام حسین می‌دانستند، با این حال مدّعی اذن از حضرت مهدی نبودند و به رأی و اجتهاد خود عمل می‌نمودند که البته طبق نظر علامه رأی و اجتهاد به تنهایی یقین ایجاد نمی‌کند.

۳. همان طور که حضرت مهدی (ع) موعود هستند، دعوت‌کنندگان و زمینه‌سازان ظهور ایشان به حکم عقل سلیم باید موعود باشند؛ زیرا عقل حکم می‌کند که رسول خدا و سایر ائمه‌ی اهل بیت به آن‌ها بشارت دهند و مردم را به سوی آن‌ها سوق دهند. حال چگونه است که علامه خراسانی اصرار دارند فقط بر موارد یقینی کتاب «بازگشت به اسلام» تکیه کنیم و به مواردی که به خراسانی موعود در احادیث معتبر اشاره شده تکیه نکنیم؟ در این صورت چگونه به یقین کامل برسیم؟ در مجموع روایاتی که از رسول خدا (ص) و امیر مؤمنان و سایر ائمه‌ی اهل بیت نقل شده به صراحت موارد ذیل برای شناخت یکی از نایبان خاص حضرت مهدی (ع) اشاره شده:

- صاحب پرچم‌های سیاه

- هاشمی و خراسانی بودن

- فاطمی بودن

- حسنی یا حسینی بودن

- جوانی زیبا روی

- در کف دست چپ خالی است.

- پیشاپیش لشکرش شعیب بن صالح تمیمی است.

- گنج های طالقان او را اجابت می کنند.

- با بنی امیہی آخر زمان (سفیانے) جنگ می کند و او را شکست می دهد.

- حضرت مهدی در لشکرش پنهان است و او را هدایت می‌کند و ...

همه‌ی این موارد نشان از آن دارد که رسول خدا و ائمه‌ی اهل بیت لازم دیده‌اند نشانه‌هایی را برای شناسایی او مطرح نمایند، همان طور که سلمان فارسی هنگام ورود به مدینه نشانه‌هایی را که از کتب آسمانی برداشت کرده بود با رسول خدا تطبیق داد و به یقین کامل رسید و به حضرت ایمان آورد. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید.

پرسی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۱۲

برادر فرهیخته!

پاسخ پرسش‌های دوستانتان با رعایت ترتیب آن‌ها به قرار زیر است:

۱. مراد علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از «تمکّن در زمین»، لزوماً دستیابی به حکومت نیست، بل بر خورداری از امکانات لازم برای دفع فتنه‌ی حاکمان ظالم و کنار زدن آن‌ها از سر راه مهدی است که اعمّ از دستیابی به حکومت است و چه بسا با حمایت شماری کافی از مسلمانان میسر می‌شود؛ چنانکه خود صریحاً فرموده است: «برداشتن آنان از سر راه مهدی، بر هر مسلمانی که متمکّن از آن باشد، واجب است»، در حالی که روشن است دستیابی به حکومت، بر هر مسلمانی که متمکّن از آن باشد، واجب نیست، بلکه جز با اذن قطعی خداوند مشروعیت نمی‌یابد و با این وصف، تمکّن در زمین برای «رساندن آنان به سزای عملشان»، اعمّ از دستیابی به حکومت است. به هر حال، تردیدی نیست که هر کس بدون اذن خداوند که از طریق نصّ قطعی خلیفه‌اش در زمین یا آیتی بیّنه شناخته می‌شود، به حکومت بر مسلمانان دست یازد، طاغوت است، اگر چه منصور هاشمی خراسانی باشد.

۲. تشبیه کسی به کسی دیگر، لزوماً به معنای تشابه آن دو در همه‌ی جهات نیست؛ چنانکه خداوند عیسی علیه السلام را به آدم علیه السلام تشبیه کرده و فرموده است: **﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾**^۱؛ «هرآینه مثل عیسی نزد خداوند چونان مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود باش پس شد»، در حالی که روشن است عیسی علیه السلام مادر داشت و آدم علیه السلام مادر نداشت و با این وصف، تشابه آن دو در همه‌ی جهات نبود. از اینجا دانسته می‌شود که تشبیه منصور به مسلم بن عقیل لزوماً به معنای برخورداری منصور از اذن مهدی مانند برخورداری مسلم از اذن حسین نیست، اگرچه امکان آن وجود دارد و با این وصف، برای آگاهی از آن، باید به چیزی جز تشبیه مذکور مراجعه کرد. قدر متیقن این است که زمینه‌سازی منصور برای آمدن مهدی از طریق گرفتن بیعت برای او و آماده‌سازی شماری کافی برای حمایت از او، شبیه کار مسلم برای حسین است و همین برای صحت تشبیه آن دو به یکدیگر کافی است.

۳. روایات درباره‌ی ظهور مردی از خراسان بزرگ با پرچم‌های سیاه که به سوی مهدی فرا می‌خواند و برای حکومت او زمینه‌سازی می‌کند، متواتر است و اگر کسی احتمال می‌دهد که جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نظر به اجتماع صفات مذکور، همان مرد است، نباید در انتظار ادعای او بنشینند، بلکه باید درباره‌ی او تحقیق کند و تحقیق درباره‌ی او، با رجوع به او یا رجوع به کسانی ممکن است که به او رجوع دارند تا درباره‌ی نشانه‌های او اطلاع حاصل کند؛ چراکه شناخت خراسانی موعود متوقف بر ادعای او نیست، بل متوقف بر اجتماع نشانه‌هایی است که برای او روایت شده است، خواه او آن را ادعا کند و خواه به دلایلی از ادعای آن خودداری کند؛ زیرا در روایات نیامده است که خراسانی موعود، خود را خراسانی موعود می‌شمارد، بل تنها نشانه‌هایی برای او آمده و روشن است که این نشانه‌ها، برای شناخت او توسط دیگران قطع نظر از ادعای او کافی است؛ با توجه به اینکه اگر قطع نظر از ادعای او کافی نباشد، با نظر به ادعای او نیز کافی نخواهد بود؛ زیرا ادعا برای کسی که نشانه‌های خراسانی موعود را ندارد سودمند نیست، همچنانکه ترک ادعا برای کسی که نشانه‌های خراسانی موعود را دارد، زیان‌بار نیست. از این رو، بحیرای نصرانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پیش از آنکه ادعا کند، با نشانه‌هایش شناخت و این از باب آن بود که گفته‌اند: «آفتاب آمد دلیل آفتاب» و گفته‌اند: «هنر بیار و زبان‌آوری مکن سعدی / چه حاجت است بگوید شکر که شیرینم!»

با این حال، توضیحات بیشتری در این باره در پاسخ به نقد «جمعی از جوانان دوستدار

حضرت مهدی^۱ منتشر شده که مطالعه‌ی آن برای شما سودمند است. به علاوه، قبلاً به اطلاع جناب عالی رسید که می‌توانید در صورت **عضویت فعال** در این پایگاه اسلامی، با برخی کسانی که به حضرت علامه رجوع دارند ارتباط مستقیم داشته باشید تا توضیحات بیشتری درباره‌ی برخی مسائل دریافت کنید ان شاء الله.

توفیق شما و دوستانتان را از درگاه خداوند مهربان مسئلت داریم.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
بجشن ابرری قله‌ها

